



دور تازه □ تعزیه انتصابات و تئاتر روحوضی ریاست جمهوری در ایران اشغالی فرا رسیده است و نه تنها دستگاه ها و رسانه های تبلیغاتی درونمرزی، بلکه برونمرزی وابسته به بیگانگان بکار افتاده اند تا در همراهی با رژیم استبداد مذهبی در ایران، با جوسازی مردم را ترغیب به مشارکت در این بازی خیمه شب بازی کنند.

امروز که رژیم ایرانستیز جمهوری اسلامی از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کاملاً ورشکسته و با سقوط و فروپاشی روبرو گشته است زیرا که بخشی از ملت ایران سرانجام از خواب خرگوشی بیدار و بر این مهم آگاه گشته اند که تنها راه نجات کشور و خود و فرزندانشان، سرتگون سازی رژیم و جایگزینی آن با یک سامانه ملی، آزاد و مردمسالار براساس قوانین حقوق بشر و با تکیه بی فرهنگ و هویت ملی می باشد، اکنون خودجوشانه شرکت جستن در این انتخابات نمایی امسال را تحریم کرده اند، که برخی از اپوزیسیون های ایرانی، بویژه هواداران نهاد پادشاهی از این حرکت ملی پشتیبانی

و استقبال نموده اند. در نتیجه، خوداری مردم در شرکت در انتخابات، نه تنها موجب نگرانی سران رژیم ستمملائی شده است، بلکه کشورهای غربی که رژیم منافع آنان را در منطقه تضمین و تامین می کند، نگران شده و سراسیمه به یاری آن شتافته اند؛ - و شگفت آور نیست که بی بی سی فارسی، دوست و یار دیرینه ی دکاندان دینی، پرچمدار و مسؤلیت یاری سازی و عوامفریبی را باری دیگر بعهده گرفته است.

آیت الله عظمای بی بی سی و انتصابات رژیم

بنیاد دروغ-پراکنی بی بی سی فارسی که در درازای عمر هفتاد و اندی سال خود، همچنان برضد ایران و ملت ایران فعالیت داشته است، بتازگی در قالب چندین گزارش و نگاشته گوناگون باصطلاح پژوهشی، مردم را تشویق به شرکت در انتخابات نمایشی رژیم شکست خورده دستاربندان کرده است. از تازه نوشته های عوامفریبانه بنگاه نامبرده، نگاشته ای تحت عنوان "با تماشای انتخابات، نمی توان برنده شد" [1] با زیرکی و با استناد به یک پژوهش تطبیقی، که از سوی بنیاد بروکینگز انجام شده است، تحریم انتخابات را کاری نادرست خوانده و خطری برای کشور اعلام می دارد.

نویسنده نگاشته نامبرده محسن جلالی از یاران دیرینه رژیم و از مهره های 'صادراتی به برونمرزها' [2] می باشد، در راستای سیاست های استثماری و عوامفریبانه نظام و نیز بی بی سی فارسی، مردم را از 'رای ندان' هراسان ساخته و بدروغ اعلام میدارد که آمار و نتایج پژوهشهای اندیشگاه (اتاق فکر) 'بنیاد بروکینگز' نشان میدهد که در ۱۷۱ کشور که سیاست تحریم انتخابات اجرا گشته با شکست روبرو و خودداری مردم از شرکت جستن در انتخابات، پیامدهای ناخوش و نابسامانی برای آنان بهمراه داشته است. [3]

شگفت انگیز نیست که بنیاد بروکینگز (Institution Brookings)، که ساختاری از جنگخواهان آمریکایی با همیاری سیاستمداران بریتانیاییست این پژوهش را پخش کرده است. بنیاد اندیشگاه بروکینگز پشتیبان سیاستهای خارجی جورج بوش و مشوق او در اشغال دو کشور افغانستان و عراق بود، که امروز بدنبال پیاده سازی "پروژه خاورمیانه نو" (تجزیه کشورهای

بزرگ خاورمیانه) و "پروژه‌های برای قرن آمریکایی جدید" (Century American New a for Project) می باشد. بنیاد بروکینگز، یکی از چند اندیشکده هایست که اعضای اصلی آن، در "کمیسیون سه جانبه" که پروژه تجزیه ایران را بر عهده دارد فعال می باشد، بلکه اعضای برجسته آن نیز از اعضای اندیشکده هایی م یباشند که در سرنگونی نظام شاهنشاهی و بقدرت رساندن رژیم اسلامی نقش اساسی ایفا کرده بودند [4، 5] و هم اکنون به یاری رژیم، سرگرم پیاده سازی برنامه های شوم خود که ایرانستان سازی ایران سرگرم می باشند. [6]



چرا مغلظه کاری؟

بنیاد بروکینگز نادرست نمی گوید که در ۱۷۱ کشور تحریم انتخاباتی با شکست روبرو و پیامدهای ناخوشایندی با خود بمهرآه داشته است - ولی تطبیق دادن آن کشورها با ایران، مغلظه کاری بیش نبوده و برای فریب آنانی که در رای دادن دودل هستند، تهیه شده است.

ایران برخلاف آن ۱۷۱ کشور نامبرده در پژوهش که رئیس جمهور در رأس نظام هایشان قرار دارند، در ایران "رهبر" یا 'ولی فقیه' است که در راس قرار دارد. "رهبر" که خود او نیز انتصابی می باشد، همه تصمیمات اصلی حکومت و نیروی اجرایی را بعهده دارد، از جمله برکناری رئیس جمهور. رهبر همچنین متضمن اجرای قانون با کنترل داشتن بر قوای انتظامی، نظامی و قوه قضاییه میباشد. بگفته ای ساده تر، شرکت مردم در انتخابات، دستگاه رهبری و نهادهای وابسته سیاستگذار در کشور را تغییر نمی دهد، بلکه تنها رئیس دولت نو می شود، که او همواره پیرو سیاست دستگاه رهبر است و در صورت سرپیچی با تصمیم رهبر از سمت خود برکنار می شود.

بنابراین، رای مردم که چه کسی رئیس جمهور شود، در آینده کشور "هیچ اثر بنیادی و زیربنایی" ندارد و این جوسازی ها یک فریب برای بازی های سیاسی و سرگرمی ملت براه انداخته شده، تا ملت بیندارند که آنانند که با برگزیدن یک رئیس جمهور در سرنوشت خود و کشور سهم دارند -- نا آگاه از آنند که تصمیم گیرنده اصلی همچنان بر صدر کار مانده و روزگار ایرانی بدتر خواهد شد که بهتر نمی شود. این رای گیری ها تناثر روحی برای مشروعیت بخشیدن به رژیم در نزد جهانیان است تا آن را یک رژیم نیمه دموکرات جلوه دهند.

همچنین، غریبان در این میان از سقوط نظام جمهوری اسلامی هراسان شده اند، زیرا با برسر کار آمدن یک نظام ملی، آزاد و دموکرات در ایران، نه تنها پروژه "خاورمیانه نو" پیاده نخواهد شد، بلکه پایانی برای فروش آهن پاره های نظامی خود به اعراب خلیج فارس و بالا رفتن قیمت نفت خام پایان خواهد یافت. ناگفته نماند که رژیم اسرائیل هم نمی تواند با مظلوم سازی به زیاده خواهی های خود افزایش داده و بر روی سرزمین های فلسطینی ها دستیازی بیشتری کند.

باری، چیزی که مسلم و روشن است، جمهوری اسلامی بار دیگر بر لبه پرتگاه سقوط قرار گرفته است و تجربه گذشته، بویژه در سال ۱۳۷۶ نشان می دهد، که برای جلوگیری از فروپاشی خود یکی از عروسک های خود موسوم به اصلاح-طلب می باشد و "نقش سوپاپ اطمینان" را برای نظام ایفا می کند، برسر کار آورده و مردم را خاموش سازند. به گمان زیاد حسن فریدون روحانی به ریاست جمهوری منتصب خواهد شد و بدور نیست که پیش بینی شود، شمارش آرا پیروزی رئیس

جمهوری جدید همانند شمارش آرای آقای السیدمحمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ که ۱۳ میلیون اعلام شود، تا توجیه و سرپوشی برای شرکت نجستن اکثریت مردم باشد و مردم ایران را برای چهار سال دیگر فریب داده و نظام به زندگی پلید و اهرمنی خود تا "نابودی ایران" ادامه دهد. گمان دادن ریاست جمهور شدن حسن فریدون روحانی، از سوی این نگارنده بدان خاطر می باشد که فریدون/روحانی روابط تنگاتنگی با بریتانیا دارد (ادعا شده است که حتی ملیت بریتانیایی نیز دارد)، بلکه واپسین کارت هاشمی فسجنانی در بازی پوکر با السید علی خامنه ای است تا سرانجام از انزوای سیاسی برون آید، که یکی از آنان در این دوره برای همیشه حذف خواهد شد.

www.suren-pahlav.com

کردار بد

گفتار بد

اندیشه بد

خودداری در دادن یک رای،
گفتن یک کلمه استبداد است!

شاپور سورنپهلو

در سیرک های رای گیری رژیم شرکت نجوئیم

Shapour
1997

www.suren-pahlav.com

پایان سخن

شوربختانه ملت ایران یکی از معدود ملت های جهانست که هرگز از تاریخ درس نگرفته و بگفته جورج سانتانایا "ملت هایی که از تاریخ درس فرانمی گیرند، محکوم به تکرار آن می باشند"، امروز ما شاهد تکرار همان اشتباهات گذشته هستیم که باری دیگر فریب آیت الله بی بی سی ها را خواهند خورد و در تعزیه رژیم شرکت خواهند جست - و با این روندی که نظام دستاربندان براساس سیاست و دستور بیگانگان در حال حرکت می باشد و کشور را رو به جدایی و فروپاشی سوق می دهد، خطری را پدید می آورد که نتیجه اش ملتی به نام "ایرانی" دیگر در آینده وجود نخواهد داشت، تا دیگر دچار اشتباهات شوند.

شاپور سورنپهلو

روز رام، خردادماه ۳۷۵۱ بهدینی

June 09, 2013

“تا زمانی که ایرانیان سطح سواد، پوشه ‘سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای’ خود را به درجه والایی نرسانند، تا بتوانند خود و کشور را در برابر استعمار و استعماریگانه ایمن سازند، محکومند تا رژیم‌های استبدادی همچون رژیم جمهوری اسلامی را هر چند دهه تجربه نمایند!”

شاپور سورنپهلو

www.suren-pahlav.com

Shapour
2011

بی نوشتها:

1. بی بی سی فارسی یک بنیاد دولتی با بودجه‌ی پانزده میلیون پوند در سال، زیر نظر مستقیم سازمان امنیت بریتانیا (MI6) اداره میشود. بی بی سی فارسی، در زمان کودتای انگلیسی-آمریکایی ۱۳۵۷ بخاطر آنکه سخنگوی رسمی آقای خمینی برای سقوط دادن نظام سلطنتی در ایران شده بود، به “آیت الله بی بی سی” نامی شد. این بنیاد ضد-ایرانی همچنان برضد ایران

و ایرانی فعالیت داشته و در چند سال گذشته سخنگوی رسمی تجزیه طلبان مزدور و حقوق بگیر دولتهای غربی و عربی، بویژه گروههای تروریستی عرب مبل گشته، و برای نابودی و تکه پاره ساختن ایران فعالیت دارد.

2. شاپور سورنپهلو، "هشدار: نیرنگ تازه □ رژیم برای خنثی سازی مبارزات ملی و مردمی: صدور ارادل و اوباش سیاسی خود به پرونمرزها، تحت نام اپوزیسیون و مخالفین رژیم" - <http://bit.ly/2NZcyr8>

3 - محسن جلالی، "با تماشای انتخابات، نمی توان برنده شد"، تارنمای بی بی سی فارسی:
<https://www.bbc.co.uk/blogs/persian/viewpoints/2013/06/post-605.html>

4. شاپور سورنپهلو، "از توطئه تا انقلاب مهندسی شده: چرا و چگونه بریتانیا، آمریکا، فرانسه و اسرائیل نظام شاهنشاهی را سرنگون ساختند؟"

5. شاپور سورنپهلو، "آخوند، غرب و صهیونیسم: اتحادیه مثلث شیطانی" برای تجزیه ایران"

6. شاپور سورنپهلو، "سایه لاشخوران بر روی خاک ایران: افزایش فعالیتهاى غربیان برای جداسازی خوزستان و دیگر سرزمینهای نفت خیز از ایران"

□